



ماهیت و حقیقت حجاب:

حجاب چیست؟ پیش از پرداختن به خوبیها و بدیها و آثار و پیامدها و نقش و سود و زیان حجاب، باید نخست معنای آن را مشخص کنیم.

آیا حجاب، پارچه ای است که به شکلی خاص دوخته شده تا بدن زن را بپوشاند؟ حال هر جا، هر زمان و با هر شکل و رنگ؟ یا حجاب نوعی رفتار است؟ یا حجاب آمیخته ای از پوشش و رفتار است؟ یا حجاب، حقیقتی است که در قالب رفتار و پوشش خاص نمودار می شود و تجلی می یابد؟

ظاهراً حجاب چیزی است که زن را وا می دارد تا قسمتهایی را که تحریک کننده غرایز مرد است (خواه در جسم یا رفتار یا صدا و گفتار) بپوشاند. حجاب همان زیوری است که زن به خود می گیرد، تا مانع از تحریک غرایز مردان شود. به عبارت دیگر حجاب خواسته ای فطری در درون زن برای پوشاندن مظاهر زنانگی وی است.

زن و مرد هر دو در انسانیت مشترك اند، اختلاف زن با مرد در چیزی است که انوثة (زنانگی) خوانده می شود و اختلاف مرد با زن نیز در چیزی است که ذکورت (مردانگی) نام دارد که هر يك از انوثة و ذکورت، ویژگیهای برونی و درونی را افزون بر طبیعت انسان به وجود می آورد.

حقیقت حجاب، شرم و حیایی است که زن بدان آراسته است، زیرا هیچ زنی را نمی توان یافت که هیچ حیا نداشته باشد. گر چه همه ما نیازمندیم که کسی ما را

برانگیزاند و به مرحله ظهور برساند ، زیرا حیا بذری است که در وجود و نهان هر زنی کاشته شده است.

حجابی که به معنای حیا و پنهان داشتن جلوه های زنانه است، فراتر از حجاب شرعی اسلامی است.

حجاب ، به معنای پوشش اسلامی بانوان ، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن ، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن ، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است ؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود.

حجاب در لغت به معنای مانع ، پرده و پوشش آمده است^۱ استعمال این کلمه ، بیشتر به معنای پرده است این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده ، وسیله پوشش است ، ولی هر پوششی حجاب نیست ؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.^۲

اگر به معنای عام ، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم ، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. يك نوع آن حجاب ذهنی ، فکری و روحی است ؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی ، مانند توحید و نبوت ، از مصادیق حجاب ذهنی ، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناههای روحی و فکری ، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند ، نام برده شده است:

مثل ؛ "حجاب و پوشش در نگاه" که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن

^۱ جوهری در صحاح اللغة، الحجاب: الستر؛ مصباح المنیر: حبه حجباً من باب قتل: أي منعه و منه قيل للستر الحجاب لانه يمنع المشاهده.
^۲ استاد مطهری، مسئله حجاب / ص ۷۸.

توصیه شده اند:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ^۳: ای رسول ما ، به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ^۴: ای رسول ما ، به زنان مؤمنه بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی ، "حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم" است:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ^۵: پس ای زنان ، نازک و نرم با

مردان سخن نگوئید ؛ مبادا آنکه دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی ، "حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم" است.

به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند:

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ^۶: و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

حجاب در صدر اسلام:

۱- روایت جابر عن أبي جعفر (عليه السلام)، عن جابر الأنصاري: " قال:

خرج رسول الله (صلى الله عليه وآله) يريد فاطمة وأنا معه فلما انتهينا إلى الباب

وضع يده عليه فدفعه ثم قال: السلام عليكم ، فقالت فاطمة: عليك السلام يا

رسول الله ،

^۳ سوره ي نور (۲۴) / آية ۳۰ .

^۴ سوره ي نور (۲۴) / آية ۳۱ .

^۵ سوره ي احزاب (۳۳) / آية ۳۲ .

^۶ سوره ي نور (۲۴) / آية ۳۱ .

قال: أدخل ؟ قالت: ادخل يا رسول الله ، قال: أدخل ومن معي ؟ فقالت: يا رسول الله ليس

علي قناع ، فقال: يا فاطمة خذي فضل ملحفتك فتقنعي به رأسك ، ففعلت ، ثم قال: السلام

عليكم ، قالت: وعليك السلام يا رسول الله ، قال: أدخل ؟ قالت: نعم يا رسول الله ، قال: أنا ومن معي ؟ قالت: ومن معك ، قال جابر: فدخل رسول الله (صلى الله عليه وآله) ودخلت

وإذا وجه فاطمة (عليهما السلام) أصفر كأنه بطن جرادة " إلى أن قال: " قال جابر: فوالله لنظرت إلى الدم ينحدر من قصاصها حتى عاد وجهها أحمر " ^٧

٢- عن مجاهد قال: بلغني أن امرأة سقطت عن دابتها فانكشفت عنها ثيابها والنبى صلى الله عليه وسلم قريب منها ، فقيل: إن عليها سراويل فقال صلى الله عليه وسلم: رحم الله المتسرولات. ^٨

٣- قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يرحم الله المتسرولات من أمتي! يرحم الله المتسرولات من أمتي! يا أيها الناس اتخذوا السراويلات ، فإنها من أستر ثيابكم ، وخذوا بها نساءكم إذا خرجن . ^٩

٤- إن سبب غزوة بني قينقاع هو: أن امرأة من المسلمين قد جاءت إلى سوقهم ، فجلست عند صائغ لأجل حلى لها ، فأرادوها على كشف وجهها ، فأبت . فعمد الصائغ إلى طرف ثوبها فعقده إلى ظهرها ، فلما قامت بدت سواتها ، فضحكوا منها ،

^٧ كافي / ج ٥ / ص ٥٢٨ / ح ٥ ؛ الوسائل / ج ٢٠ / ص ٢١٥ / باب ١٢٠ از أبواب مقدمات النكاح / ح ٣ .

^٨ كنز العمال / ج ١٥ / ص ٣٢٥ / ح ٤١٢٤٤ .

^٩ كنز العمال / ج ١٥ / ص ٣٢٥ / ح ٤١٢٤٥ .

فصرخت ، فعدا مسلم على من فعل ذلك بها فقتله ، وشدت اليهود على المسلم فقتلوه ، ثم كانت الحرب وقد كان هذا في أوائل سنة الهجرة ، كما هو معلوم.^{١٠}

حجاب در قرآن:

آیات متعددی در قرآن کریم پیرامون حجاب سخن گفته اند که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

١- وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ.^{١١}

٢- وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى.^{١٢}

٣- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.^{١٣}

٤- وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا

^{١٠} الصحيح من سيرة النبي الأعظم / ج ١ / ص ٧٧ .

^{١١} أحزاب / ٥٣ .

^{١٢} أحزاب: ٣٣ .

^{١٣} نور / ٣٠ .

يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.^{١٤}

٥- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ
جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.^{١٥}

تمرکز ما بیشتر در مورد این دو آیه اخیر است.

"خِمار" در تفاسیر:

(١) "خُمْر" جمع "خِمار" است بمعنای مقنعه و مراد از "ضرب مقنعه بر جیبها" انداختن کنار مقنعه است بر چاک گریبان تا گردن و سینه نمایان نباشد چنانکه عادت زنان بوده است در جاهلیت.^{١٦}

(٢) "الخُمْر" جمع "خِمار" و هو الذی تستر المرأة به رأسها و رقبتها.^{١٧}

(٣) خِمار بمعنی مقنعه که سر و صورت را میپوشاند.^{١٨}

(٤) "خِمار" چارقد را گویند که روی سر می اندازند و خداوند خطاب به زنان میفرماید: اینها را زیر گلو ببندید که گلو و سینه مستور شود و فقط قرص صورت باز باشد.^{١٩}

^{١٤} نور / ٣١ .

^{١٥} احزاب / ٥٩ .

^{١٦} آیات الأحكام (الجرجانی) / ج ٢ / ص ٣٦٠ .

^{١٧} إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن / ص ٣٥٨ .

^{١٨} أطیب البیان فی تفسیر القرآن / ج ٢ / ص ٤٢٦ .

^{١٩} أطیب البیان فی تفسیر القرآن / ج ٩ / ص ٥٢٠ .

۵) "الخمر" (بضم الخاء و الميم) جمع "خمار" (بكسر الخاء) و هو ما تغطي به المرأة رأسها و الستر عموما و يجمع على أخمرة و خمر (بضم الخاء و سكون الميم) و خمر (بضميتين).^{۲۰}

۶) «خُمُر» جمع «خِمار» على وزن «حِجَاب» في الأصل تعني «الغطاء»، إلا أنه يطلق بصورة اعتيادية على الشيء الذي تستخدمه النسوة لتغطية رؤوسهن.^{۲۱}

۷) «بِخْمُرِهِنَّ» جمع «خِمار» و هي المقنعة، سميت بذلك، لأن الرأس يُخْمَرُ بها، أي يغطى، و كل شيء غطّيته فقد خمّرته.^{۲۲}

۸) خُمُر: أصله ستر الشيء، و يقال لما يستر به خمار، لكنّ الخِمار صار في التعارف اسما لما تغطّى به المرأة رأسها.^{۲۳}

۹) «خُمُر» جمع «خِمار» است، و «خمار» أن جامه ای است که زن سر خود را با آن می پیچد، و اضافه آن را به سینه اش آویزان می کند.^{۲۴}

۱۰) «خُمُر» جمع «خِمار» به معنای مقنعه است و زنان، مأمور شده اند که آن را به سر و گردن خودشان بپندازند، زیرا اگر باز باشد جلو گردنهایشان دیده می شود. زنان عرب کارشان این بود که دامن مقنعه ها را پشت سر می انداختند و به این سبب گلو و سینه شان پیدا بود، به این دلیل خداوند امر فرمود که آن را از جلو بپوشانند تا آنها را بپوشاند.^{۲۵}

خِمار بر خلاف جلباب، فقط پوشش سر است و کاربرد آن در شعرهای جاهلی و دوره اسلامی به همین معنی است.

^{۲۰} إعراب القرآن و بيانه / ج ۶ / ص ۵۹۲.

^{۲۱} الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل / ج ۱۱ / ص ۷۵.

^{۲۲} التبيان في تفسير غريب القرآن / ص ۲۴۴.

^{۲۳} التحقيق في كلمات القرآن الكريم / ج ۳ / ص ۱۲۷.

^{۲۴} ترجمه الميزان / ج ۱۵ / ص ۱۵۵.

^{۲۵} ترجمه جوامع الجامع / ج ۴ / ص ۳۰۴.

امروالقیس در وصف باران گوید:

«و تری الشجاء فی ریحہ کرؤس قطعت فیها خُمُر»^{۲۶}

که شاعر در این بیت سرهای درختان را که از آب برون مانده به سرهای بریده در خمار مانده تشبیه کرده است.

و همچنین این بیت از حسّان بن ثابت انصاری:

«تظّل جیادنا متمطرات تلطمهنّ بالخمر النساء»^{۲۷}

که در آن ابوسفیان و مردم مکه را سرزنش می کند و می گوید اسبان ما شتابان می رفتند و زنان شما با چارقد آنها را باز می راندند. و (تخمیر) پوشیدن سر است.

"خِمار" در روایات:

(۱) عن الفضیل ، قال : سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الذراعین من المرأة ، هما من الزينة التي قال الله تعالى : (وَأَلْبَسْتَهُنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ) . قال : نعم ، و مادون الخمار من الزينة .^{۲۸} فضیل بن یسار می گوید: از امام جعفر صادق^{علیه السلام} جويا شدم ؛ آیا دو بازوی زن از زینت زن است که خداوند در این آیه (نور / ۳۱) فرموده است ؟ حضرت فرمود: آری ، آنچه را که خمار ، (یعنی روسری) می پوشاند و آنچه که از محل دستبند به بالا باشد از زینت به شمار می رود.

(۲) رواية " مكارم الاخلاق " نقلا عن " المحاسن " عن أبي عبد الله^{عليه السلام} في قوله تعالى : " إلا ما ظهر منها " قال : الوجه والذراعان .^{۲۹}

^{۲۶} دیوان امرؤالقیس / ص ۵۶ .

^{۲۷} دیوان حسّان بن ثابت / ص ۱ .

^{۲۸} الوسائل / ج ۱۴ / ص ۱۴۵ / حدیث ۱ / باب ۱۰۹ / از أبواب مقدمات النکاح .

^{۲۹} مستدرک الوسائل / ج ۱۴ / ص ۲۷۵ / حدیث ۱۶۷۰۱ .

٣) زارة عن أبي عبد الله عليه السلام: " في قول الله عزوجل: (إلا ما ظهر منها). قال عليه السلام: الزينة الظاهرة.^{٣٠}

جلباب در تفاسير :

(١) "فالجلايب" ؛ جمع "جلباب" و هو خمار المرأة و هي المقنعة ، تغطي جيبتها و رأسها إذا خرجت لحاجة بخلاف خروج الإمام اللاتي يخرجن مكشفات الرؤوس و الجباه- في قول ابن عباس و مجاهد- و قال الحسن: الجلايب الملاحف تدينها المرأة على وجهها^{٣١}

(٢) و "الجلايب": جمع جلباب و هو ثوبٌ أصغر من الرداء و أكبر من الخمار و القناع ، تضعه المرأة على رأسها فيتدلى جانباه على عذاريتها و ينسدل سائره على كتفها و ظهرها ، تلبسه عند الخروج و السفر.^{٣٢}

(٣) و "الجلباب": القميص و ثوب أوسع من الخمار دون الرداء تغطي به المرأة رأسها و صدرها ، و قيل هو ثوب واسع دون الملحفة تلبسه المرأة ، و قيل هو الملحفة ، و قيل هو ما تغطي به المرأة الثياب من فوق كالمحفة ، و قيل جلباب المرأة ملاءتها التي تشتمل بها ، واحدها جلباب و الجماعة جلايب ، و المصدر جلببة^{٣٣}

(٤) كلمة "جلايب" جمع جلباب است ، و آن جامه ای است سرتاسری که تمامی بدن را می پوشاند ، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می شود ، و

^{٣٠} وسائل / باب ١٠٩ از أبواب مقدمة النكاح / حديث ٣ .

^{٣١} التبيان في تفسير القرآن / ج ٨ / ص ٣٦١ .

^{٣٢} التحرير و التنوير / ج ٢١ / ص ٣٢٧ .

^{٣٣} التحقيق في كلمات القرآن الكريم / ج ٢ / ص ٩٣ .

منظور از جمله "پیش بکشند مقداری از جلباب خود را"، این است که آن را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد.^{۳۴}

(۵) "جلباب" لباسی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است، زن آن را بر سرش می‌اندازد به طوری که زیادی آن سینه را هم می‌پوشاند.^{۳۵}

(۶) ابن عباس گفته است: برخی گویند: «جلباب» ملافه یا عبا یا چادر و هر چیزی است که با آن بدن را بپوشانند چنان که شاعر گفته است: مجلبب من سواد اللیل جلبابا.^{۳۶}

(۷) معنای عبارت "يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ" این است که زنها جلباب را به دوش خود بیندازند و صورت و اطراف بدن خود را با آن بپوشانند. و هنگامی که روپوش از صورت زنی کنار رود گویند: أدنى ثوبك على وجهك، صورتت را با لباست بپوشان.^{۳۷}

(۸) ابن عباس و مجاهد گویند: جلباب مقنعه و روسری زنست یعنی با آن بپوشند سر و گردنشان را هر گاه برای حاجتی بیرون روند بخلاف کنیزها. جبائی و ابی مسلم هم می‌گویند: مقصود از "جلباب" پیراهن و لباس و روسری و هر چیزیست که زن با او پوشیده میشود.^{۳۸}

(۹) "جَلَابِيْب" پیراهن‌ها و روپوش‌های سر و چهره یا مقنعه می‌باشد و مفردش جلباب است.^{۳۹}

^{۳۴} ترجمه المیزان / ج ۱۶ / ص ۵۰۹ .

^{۳۵} ترجمه جوامع الجامع / ج ۵ / ص ۱۵۲ .

^{۳۶} همان .

^{۳۷} همان .

^{۳۸} ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن / ج ۲۰ / ص ۱۷۲ .

^{۳۹} ترجمه مفردات / ج ۱ / ص ۴۰۳ .

۱۰) ابو مسلم اصفهانی صاحب تفسیر مفقوده‌اش جامع التّأویل لمحکم التّنزیل ،
"جلایب" را لباس و پیراهن ، و روسری بزرگ و آنچه که زن را می پوشاند
می داند.^{۴۰}

۱۱) شهید مطهری^{۴۱} به نقل از لسان العرب می گوید : جلباب جامه‌ای است از
چهار قد بزرگتر و از عبا کوچکتر ، که زن بوسیله آن سر و سینه خود را
می پوشاند.^{۴۱}

۱۲) کلمه "جلایب" جمع جلباب است. مفسران در باره معنای این کلمه اقوالی
دارند. از جمله اینکه: يك رداء و عبائی بوده که سر تا پای زنان را می پوشانیده
است ؛ یا روسری بوده که سر و صورت زنان را فرا می گرفته است.^{۴۲}

۱۳) جلباب را اهل لغت معنی نموده‌اند که لباسی است وسیعتر از چادر که زنان
به سر اندازند و بقیه آن روی سینه ایشان را فرا می گیرد.^{۴۳}

۱۴) "جلباب" چادر روی خمار است ، و زنها به آن سر و بدن بلکه اندام تا قدم را
می پوشند. ابن عباس گفته: جلباب ردائی است که ستر بدن می کند از فوق تا
اسفل.^{۴۴}

۱۵) راغب "جلباب" را پیراهن و روسری گفته است. صحاح اللغة آن را ملحفه
(چادر شب) ابن اثیر در نهاییه چادر و رداء گوید. فیروزآبادی در قاموس می گوید:
آن پیراهن و لباس گشاد است که زن لباسهای خود را با آن می پوشاند و یا آن

^{۴۰} مجمع البیان/ ج ۸ / ص ۳۷۰ .

^{۴۱} مسئله حجاب/ ص ۱۸۷ .

^{۴۲} تفسیر آسان / ج ۱۶ / ص ۱۳۸ .

^{۴۳} تفسیر اثنی عشری/ ج ۹ / ص ۲۸۲ .

^{۴۳} تفسیر اثنی عشری / ج ۱۰ / ص ۴۸۸ .

^{۴۴} تفسیر اثنی عشری / ج ۱۰ / ص ۴۸۸ .

ملحفه است ظهور آیه می‌رساند که منظور از جلباب همانست که قاموس گفته است.^{۴۵}

(۱۶) "الجلايب" جمع جلباب ، و هو ثوب أكبر من الخمار ، و روي عن ابن عباس و ابن مسعود أنه الرداء. و قد قيل: إنه القناع. و الصحيح أنه الثوب الذي يستر جميع البدن. و في صحيح مسلم عن أم عطية قالت: يا رسول الله ، إحدانا لا يكون لها جلباب ؟ قال: «لتلبسها أختها مع جلبابها»^{۴۶ ۴۷}.

(۱۷) "جلايب": جمع جلباب بمعنای پیراهن و لباس واسع است.^{۴۸}

(۱۸) "جلايب" جمع جلباب است و آن ثوبی است واسع که أوسع از خمار است و کمتر از رداء که زن آن را بر سر خود می‌پيچد و اضافه آن را بر سینه فرود می‌آورد ابن عباس فرمود که جلباب ردائی است که ستر بدن میکند از فوق تا اسفل و بروایت دیگر از او نقلست که جلباب مقنعه زنان است که جبهه و راس خود را بآن می‌پوشاندند در وقت بیرون آمدن از خانه برای حاجت بخلاف إماء که مکشفات الرأس بیرون می‌آمدند. جبائی و ابو مسلم قائلند ؛ هر چه مرأه بآن مُتستّر می‌شود جلباب است.^{۴۹}

(۱۹) در اینکه منظور از "جلباب" چیست مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده‌اند ؛ گرچه این معانی با هم متفاوتند ولی قدر مشترك همه آنها این است که بدن را به وسیله آن بپوشاند (ضمناً باید توجه داشت "جلباب" به کسر و فتح جیم هر دو قرائت می‌شود).^{۵۰}

^{۴۵} تفسیر أحسن الحديث / ج ۸ / ص ۳۸۶ .

^{۴۶} رواه البخاري (ج ۱ / ۸۸ و ۹۹ ؛ ج ۲ / ۶۷ و ۱۹۶) ؛ مسلم في (العبدین، ح / ۱۲) ؛ أحمد (ج ۵ / ۸۵) و القرطبي (ج ۱۴ / ۲۴۳) .

^{۴۷} تفسیر القرآن العظيم (ابن أبي حاتم) / ج ۱۳ / ص ۸۴۵ .

^{۴۸} تفسیر روشن / ج ۱۵ / ص ۵۹ .

^{۴۹} تفسیر منهج الصادقين في إلزام المخالفين / ج ۷ / ص ۳۰۷ .

^{۵۰} تفسیر نمونه / ج ۱۷ / ص ۴۲۷ .

۲۰) اهل لغت گفته‌اند جلباب جامه‌ وسیعی است کوچکتر از عبا و بزرگتر از خِمار و مقنعه‌ای است که زنهای عرب بر سر می اندازند و بطوری است که اطراف سینه‌های ایشان را فرا میگیرد. و از ابن عباس روایت شده که جلباب عبایی است که از سر تا پا را میگیرد و بعضی گفته‌اند جلباب بمعنی ملحفه یعنی لفافه‌ای است که تمام بدن را میگیرد.^{۵۱}

جلباب در روایات:

اما در احادیث نبوی: یکی حدیث عایشه است:

«... وَكَانَ صَفْوَانُ بْنُ الْمُعَطَّلِ السَّلْمِيُّ ثُمَّ الذُّكْوَانِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْجَنِيهِ ، فَأَصْبَحَ عِنْدَ مَنْزِلِي فَرَأَى سَوَادَ إِنْسَانٍ نَائِمٍ ، فَعَرَفَنِي حِينَ رَأَى ، وَكَانَ رَأَى قَبْلَ الْحِجَابِ ، فَاسْتَيْقِظْتُ بِاسْتِرْجَاعِهِ حِينَ عَرَفَنِي ، فَخَمَرْتُ وَجْهِي بِحِلْبَابِي ...»^{۵۲}

و دیگری در سنن بیهقی: "فَإِذَا جَازُوا بِنَا سَدَلْتُ إِحْدَانًا جِلْبَابِيهَا مِنْ رَأْسِهَا عَلَى وَجْهِي"^{۵۳}

"جلباب پوشیدن" چندبار در خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی^{علیه السلام} آمده است: (خطبه‌های ۴، ۶۶، ۸۷، ۱۵۳، ۱۸۳ و نامه‌های ۱۰، ۱۹، ۶۵ و کلمه قصار ۱۱۲، که در همه موارد جلباب مشبه به چیزی است.)

اکنون باید دید جلباب چیست و چگونه پوششی است؟

ابن اثیر نویسد: "جلباب" (ازار) و (رداء) است. و گفته‌اند ملحفه است و آن چون مقنعه است که زن بدان سر و پشت و سینه خود را می پوشاند، و جمع آن جلابیب بود.^{۵۴}

^{۵۱} مخزن العرفان فی تفسیر القرآن / ج ۱۰ / ص ۲۵۳ .

^{۵۲} إعراب القرآن وبیانه / ج ۶ / ص ۵۷۰ ؛ صحیح بخاری / باب ۳۴ / حدیث الإفک / ح ۴۱۴۱ .

^{۵۳} سنن بیهقی / باب ۷۸ / باب المحرمة تلبس الثوب ... / ح ۹۳۱۷ .

^{۵۴} ابن اثیر، النهایة، جلبب.

اما از استعمال اين واژه در گفتار اميرالمؤمنين علي عليه السلام نکته هاي ديگر را مي توان يافت. ابتدا به مورد استعمال آن در سخنان آن حضرت بنگريم.

۱. (مازلت أنتظر بكم عواقب الغدر، حتي سترني عنكم جلاباب الدين).^{۵۵}
۲. (فالبس لهم جلاباباً من اللين).^{۵۶}
۳. (من أحبنا أهل البيت فليستعد للفقر جلاباباً).^{۵۷}
۴. (حتي إذا كشف لهم عن جزاء معصيتهم و استخرجهم من جلايب غفلتهم).^{۵۸}
۵. (ولا استطاعت جلايب سواد الحنادس أن تودّ ما شاع في السموات من تلالؤ نور القمر).^{۵۹}
۶. (و كيف أنت صانع إذا انكشفت عنك جلايب ما أنت فيه).^{۶۰}
۷. (فإن الفتنة طالماً أغدت جلايبها).^{۶۱}
۸. (معاشر المسلمين إستشعروا الخشية و تجلببوا السكينة).^{۶۲}
۹. (لإنّ من أحبّ العباد إليه عبداً أعانه الله علي نفسه فاستشعر الحزن و تجلبب الخوف).^{۶۳}

هرچند در اين نه مورد، جلاباب و جلاباب پوشيدن به مجاز به كار رفته است، اما از استعمال آن مي توان فهميد: جلاباب، پوششی است كه روی همه پوششها به بر می کنند و سراسر تن را می پوشاند.

اکنون ببينيم تفسيرنويسان در اين باره چه گفته اند:

^{۵۵} سيد رضي، نهج البلاغه، خطبه ۴.
^{۵۶} سيد رضي، نهج البلاغه، نامه ۱۹.
^{۵۷} سيد رضي، نهج البلاغه، حكمت ۱۱۲.
^{۵۸} سيد رضي، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳.
^{۵۹} سيد رضي، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.
^{۶۰} سيد رضي، نهج البلاغه، نامه ۱۰.
^{۶۱} سيد رضي، نهج البلاغه، نامه ۶۵.
^{۶۲} سيد رضي، نهج البلاغه، خطبه ۶۶.
^{۶۳} سيد رضي، نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

شیخ طوسی^{۶۴} از ابن عباس و مجاهد آورده است:

جلباب، خمار زن است، و آن مقنعه ای است که پیشانی و سر خود را بدان می پوشد. و یا ملحفه ای است که زن آن را بر چهره خود می آورد.^{۶۴} و نظیر احتمال اول را طبرسی^{۶۵} در مجمع البیان آورده است، لکن ظاهر مقایسه این آیه با آیه ۳۱ سوره نور نشان می دهد که خمار پوششی است جز جلباب. در مقابل نوشته این دو مفسر، قرطبی می نویسد:

"جلایب" جمع جلباب و آن جامه ای است بزرگ تر از خمار، ابن عباس و ابن مسعود آورده اند که آن رداء است و گفته اند قناع است، و درست آن است که آن پوششی است که همه تن را بپوشاند.^{۶۵}

محمد غوث، مؤلف نثر المرجان نیز، از مبرّد نظیر همین تفسیر را آورده است و می نویسد که جلباب پوششی است که همه تن را بپوشاند چون ملحفه.^{۶۶} و علامه طباطبایی^{۶۷} می نویسد:

"جلایب" جمع جلباب است، و آن جامه ای است که زن بر خود افکند و همه بدن او را بپوشاند، و یا آن خمار است که سر و صورت را با آن پوشند.^{۶۷}

پس می شود فهمید که: تفسیر جلباب به خمار، مقنعه و یا نیم تنه تسامحی است، و تعریف درست آن همان روپوش یا روی لباسی است که سراسر اندام را فراگیرد. و نیز از امر (یُدنین) دانسته می شود که جلباب پوششی بوده است جلو باز، همانند شل که بر دوش می افکنده اند و در آیه دستور داده شده است که دو طرف آن را به هم نزدیک کنند.

^{۶۴} طوسی، التبیان، ۳۲۷/۸.

^{۶۵} قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ذیل تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب.

^{۶۶} نثر المرجان، چاپ سنگی، ۴۳۵/۵.

^{۶۷} المیزان، ۳۳۹/۱۶.

"جَبِّب" در تفاسیر :

"جیب" جمع آن (جیوب) است ، که يك بار در آیه ۱۲ سوره نمل و بار دیگر در آیه ۲۲ سوره قصص و جمع آن در آیه مورد بحث (۳۱ سوره نور) آمده است.

(۱) کلمه "جیوب" جمع جیب (به فتح جیم و سکون یاء) است که مراد از جیوب ، سینه‌ها است^{۶۸} ، و معنایش این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته ، آن را بپوشانند. و زنان ، مأمور شده‌اند که آن را به سر و گردن خودشان بیندازند ، زیرا اگر باز باشد جلو گردنهایشان دیده می‌شود. زنان عرب کارشان این بود که دامن مقنعه‌ها را پشت سر می‌انداختند و به این سبب گلو و سینه‌شان پیدا بود ، به این دلیل خداوند امر فرمود که آن را از جلو بپوشانند تا آنها را بپوشانند. اما اینکه مراد از «جیوب» سینه‌ها باشد ، به اعتبار مجاورت است. (چون قسمت جلو یقه نزدیک سینه است) ، و مراد از زدن روسری‌ها بر گریبانها که بر زنان واجب می‌باشد این است روسریها را بر سر و گردن و سینه‌هایشان قرار دهند تا آنها را بپوشانند.^{۶۹}

(۲) "جیوب" جمع "جَبِّب" (بر وزن عَجِب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد.^{۷۰}

نکته: از مجموع این توضیحا و دقت در کاربردهای کلمه‌ها در آیات و روایات و

اشعار عرب و ... چند نکته روشن می‌شود:

۱. خمار با جلباب یکی نیست؛ خمار پوششی است مختص زنان و جلباب پوششی

^{۶۸} لئن شقت علی الموتی جیوب فحق بأن تشق لك القلوب

^{۶۹} ترجمه جوامع الجامع / ج ۴ / ص ۳۰ .

^{۷۰} تفسیر نمونه / ج ۱۴ / ص ۴۴ .

است که سراسر بدن را (ظاهراً از گردن به پایین) می پوشاند و اختصاصی هم به زنان ندارد.

۲. جلباب پوششی است جلو باز، و زنان مسلمان مأمور شده اند دو لب آن را به یکدیگر نزدیک کنند.

۳. خمار، سرپوش دامنه دار بوده است که زنان مسلمان مأمور شده اند دامنه سرپوش را تا گریبان خود بیاورند و گلو و سینه را بدان بپوشانند.

شان نزول آیات محل بحث:

سبب نزول آیه ۵۹ سوره احزاب در منابع اهل سنت و شیعه به دو گونه متفاوت گزارش شده است:

علی بن ابراهیم قمی در سبب نزول آیه می نویسد:

زنان به مسجد می رفتند و نماز جماعت را به امامت پیامبر صلی الله علیه و آله بر پا می داشتند این گروه وقتی برای نماز مغرب، عشاء و صبح به مسجد می رفتند در تاریکی کوچه ها مورد اذیت و آزار قرار می گرفتند به این مناسبت آیه شریفه فرود آمد.^{۷۱}

برخی از تفسیر گران اهل سنت در سبب نزول آیه می نویسند:

«وقتی زنان مدینه، شب هنگام برای قضای حاجت بیرون می رفتند جوانان مدینه ایشان را اذیت و آزار می دادند به این مناسبت آیه شریفه نازل شد.»^{۷۲}

در برخی دیگر از متون تفسیری و قرآنی اهل سنت، شکل پوشش زنان آزاده و کنیزان، علت اذیت و آزار زنان آزاده معرفی شده است.^{۷۳}

در روایت سُدّی نیز همین مضمون آمده است سُدّی می گوید: «وقتی زنان مدینه

^{۷۱} تفسیر قمی / ج ۲ / ص ۱۹۶ .

^{۷۲} تفسیر طبری / ج ۱۹ / ص ۲۱۶ .

^{۷۳} معانی القرآن للنحاس / ج ۵ / ص ۳۷۷ .

برای قضای حاجت بیرون می آمدند جوانان مدینه هر زنی را که پوشش داشت آزاده می شناختند و زنان بی حجاب را کنیز می دانستند و ایشان را اذیت و آزار می دادند به این مناسبت آیه شریفه فرود آمد.^{۷۴}

شان نزول آیه ۳۱ سوره نور:

در متون تفسیری اهل سنت و شیعه سه شأن نزول برای آیه شریفه آمده است:
۱- امام باقر(ع) فرمود:

«جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو گشت که بر سر روسری بسته بود و اطراف روسری را به پشت گوشهایش انداخته بود و گردن و سینه خود را برهنه گذاشته بود. مرد جوان در حالی که با چشمان خویش زن را دنبال می کرد و متوجه جلوی خود نبود وارد کوچه ای شد و ناگهان صورتش به دیوار خورد و استخوان یا قطعه شیشه ای که بر دیوار بود صورت او را شکافت و چهره او را غرق خون کرد. وقتی جوان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ماجرا را برای آن حضرت تعریف کرد آیه شریفه فرود آمد.^{۷۵}»

۲- جابر بن عبدالله روایت می کند:

« اسماء دختر مرثد در نخلستان بود. شماری از زنان در حالی که خلخال ها، سینه و گیسوان ایشان دیده می شد، نزد اسماء آمدند. اسماء گفت: از این زشت تر هم ممکن است؟ پس در این هنگام آیه « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ » "نور/ ۳۱" فرود آمد.^{۷۶}»

^{۷۴} تفسیر نیشابوری/ ص ۲۴۵ .

^{۷۵} کافی/ ج ۵ / ص ۲۱؛ وسائل / ج ۲۰ / ص ۱۹۲؛ المیزان / ج ۱۵ / ص ۱۱۶ .

^{۷۶} تفسیر ابن کثیر / ج ۳ / ص ۲۹۳؛ تفسیر الجلالین للسيوطی/ ص ۵۸۵؛ لباب النقول للسيوطی / ص ۱۴۴ .

۳- حضرمی روایت می کند:

« ان امرأة اتخذت صرتين من فضّه و اتخذت جزعا ، فمّرت علي قوم فضربت برجلها فوق الخلل علي الجزع فصوت فانزل الله « وَلَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ »^{۷۷}»

نکته: زنان عصر نزول سر خود را با روسری می بستند و اطراف روسری خود را به پشت سر می افکندند و سینه خود را در پوشش قرار نمی دادند وقتی آیه شریفه فوق فرود آمد زنان مسلمان به پوشش سینه فراخوانده شدند چرا که این قسمت از بدن بیش از سر و صورت ، مردان را تحریک می کند چنانکه در سبب نزولی که در متون تفسیری شیعه آمده است نگاه آن جوان به آن علت بود که گردن و سینه آن زن پوشش نداشت.

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف:

الف) فایده حجاب در بُعد فردی:

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی ، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است و یکی از عوامل ایجاد این آرامش ، عدم تهییج و تحریک جنسی نا موقع است ؛ در مقابل ، فقدان حجاب و آزادی معاشرت های بی بندوبار میان زن و مرد ، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد. دسترسی به آرامش روحی و روانی ، سهم قابل ملاحظه ای در پیروزی و موفقیت انسان داشته و دارد. کم نیستند انسان هایی که رسیدن به آرامش را به عنوان آرزوی نایاب ، جست وجو می نمایند ولی به آن نمی رسند ، به کارگیری دستورات سعادت بخش اسلام ، موجبات آرامش روحی و روانی انسان ها را یقیناً فراهم خواهد نمود. و بالعکس عمل نکردن به آنها ، آثار مخرب افسردگی روحی و روانی را به همراه خواهد داشت.

^{۷۷} لباب النقول للسيوطی / ص ۱۵۸؛ درّ المنثور / ج ۵ / ص ۴۴؛ تفسیر طبری / ج ۱۸ / ص ۱۶۵؛ تفسیر قرطبی / ج ۱۲ / ص ۲۳۸؛ تفسیر آلوسی / ج ۹ / ص ۳۴۰ .

رعایت حجاب اسلامی از جمله علل و عواملی است که تاثیر زیادی در ایجاد آرامش روحی و روانی دارد.

برعکس ، نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی در معاشرت و بی بند و باری ، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای هر دو طرف را به صورت يك عطش روحی و يك خواست اشباع نشدنی درمی آورد و این همان اضطراب روحی و روانی است. غریزه جنسی ، قوه نیرومندی است که هر چه افسار گسیخته تر باشد ، طغیان و سرکشی او بیشتر می شود ، اگر دختران و زنان در اجتماع ، پوشش لازم را نداشته باشند از آثار و پی آمدهای طغیان و سرکشی این غریزه خطرناک درامان نخواهند ماند و سرانجام آرامش خاطر خود را به دریای موج و خروشان مبدل خواهند نمود.

بی حجابی باعث ایجاد هیجان های شدید در میان مردها مخصوصاً جوانان می شود چرا که غریزه جنسی نیرومندترین غریزه در فرد است که با عشوه گری و آرایش و برهنگی زنان ، این غریزه شعله ورتر خواهد شد ، در چنین شرایطی جوانان یا باید به فساد و عیاشی و تجاوزگری روی آورند و به خواسته های قوه شهوانی جواب مثبت دهند و آرامش خود و دیگران را به خطر اندازند و یا با تخیل و تصور ، با حالت افسرده و پریشان ، زندگی بیمارگونه خود را ادامه داده آرامش خود و خانواده را برهم زنند.

خدای سبحان خطاب به همسران پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء ان اتقینن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا ؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید ؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند ، و سخن شایسته بگوئید!»

یعنی هنگام سخن گفتن ، جدی و به طور معمولی سخن بگوئید ، نه همچون زنان

کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توام با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت ران را به فکر گناه می افکند سخن بگویند. اگر سخن گفتن با ناز و کرشمه ، باعث تحریک شهوت مردان می شود ، بی حجابی و بدحجابی به طریق اولی ، آتش شهوت جنسی را در مردان شعله ور خواهد نمود. بنابراین ، رعایت حجاب اسلامی ، موجبات آرامش را هم برای خانم ها فراهم می نماید و هم برای آقایان. زیرا خانم ها با رعایت حجاب اسلامی در حقیقت احکام و دستورات الهی را عمل و رعایت کرده و از این طریق خود را به آرامش واقعی نزدیک می نمایند و از سوی دیگر مردان نیز با صحنه هایی که آتش شهوت را شعله ور می نماید کمتر مواجه شده در نتیجه دچار اضطراب و پریشانی نخواهند شد .

ب) فایده حجاب در بُعد خانوادگی:

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی ، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی ، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور ، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر ، و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده می گردد ؛ و برعکس ، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است.

فواید و آثار دیگری نیز برای حجاب و پوشش می توان نام برد ، که مهم ترین آنها عبارتند از:

حفظ ارزش های انسانی ؛ مانند عفت ، حیا و متانت در جامعه و کاهش مفاسد اجتماعی ،

هدایت ، کنترل و بهره مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی ، تأمین و تضمین سلامت و پاکی نسل افراد جامعه .

ج) بُعد اخروی و بهره مندی از پاداش الهی

هر دین و آیینی برای خود احکام و دستوراتی دارد، پیروان ادیان و مذاهب، برای اثبات ادعای پیروی، چاره‌ای ندارند جز این که در عمل، ضوابط و قوانین دین و آیینشان را رعایت نموده و در زندگی خود به آن، عمل نمایند. در مکتب اسلام رعایت حجاب اسلامی از جمله احکام مسلم و قطعی و لازم الاجرا است که باید از سوی افراد مؤمن و مسلمان، رعایت شود.

رعایت حجاب اسلامی از سوی مسلمانان علاوه بر آثار ارزشمند دیگر، پای بندی نسبت به احکام شرع و اطاعت از دستورات الهی را نشان می‌دهد که پاداش الهی را به دنبال دارد؛ لذا خدای سبحان پس از بیان يك سلسله احکام و دستورات، می‌فرماید: «تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله يدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدین فیها و ذلك الفوز العظيم: این‌ها مرزهای الهی است؛ و هرکسی، خدا و پیامبرش را اطاعت کند [و قوانین او را محترم بشمارد] خداوند او را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است و جاودانه در آن می‌ماند؛ و این پیروزی بزرگی است.»

بنابراین، حجاب و پوشش اسلامی، اگر به عنوان انجام وظیفه و تکلیف الهی، رعایت شود، از مصادیق روشن اطاعت از دستورات خدا و پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) به حساب می‌آید و اطاعت از خدا و پیروی از سنت پیامبر (ص) بر اساس آیات قرآن، اجر و پاداش جاویدان الهی را به دنبال خواهد داشت.

د) بُعد تزکیه نفس:

هدف اصلی تشریح احکام اسلامی، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می‌آید. از جمله اهداف بعثت انبیای الهی نیز تزکیه انسان‌ها ذکر شده است؛ خدای سبحان می‌فرماید: «هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم

یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفي ضلال مبین ؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولي از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!»
خدای سبحان از زنان و مردان مؤمن می خواهد تا از نگاه کردن به نامحرم ، خودداری نمایند ؛ چرا که نگاه ، اولین گام تحریک و جلب زنان و مردان به همدیگر است ؛ به دنبال نگاه ، زمینه کشش ها و پیامدهای بعد تا بدترین مراحل ، فراهم می شود.

اگر انسان بر خواسته های نفس خود ، حاکم و مسلط شود و آن گونه که خدای سبحان می فرماید: نگاه ها را از جذابیت های حرام ، دور سازد ، نقطه آغاز انحرافات بعدی را از خود دور ساخته و زمینه تزکیه ، خودسازی و رسیدن به جوار قرب الهی را درخود ایجاد نموده است ؛ لذا خدای سبحان از جمله آثار ارزشمند رعایت حجاب و خودداری از چشم چرانی و نگاه به نامحرم را تزکیه و خودسازی می داند.

ه) بُعد امنیت فردی و اجتماعی:

امنیت یکی از اصلی ترین نیاز انسان ها در زندگی فردی و اجتماعی است ؛ چرا که در سایه امنیت و آرامش ، زمینه های تلاش و فعالیت و در ادامه آن ، رشد و تکامل فراهم خواهد شد. در طرف مقابل ، اضطراب و نا امنی ، فعالیت های تکاملی انسان را در عرصه های مختلف زندگی متوقف می سازد.
از جمله آثار ارزشمندی که رعایت حجاب اسلامی به همراه دارد ، امنیت برای

بانوان است ؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما ۳۱ ؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلباب ها (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند ، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است ؛ [و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده ، توبه کنند] خداوند همواره آمرزنده رحیم است.»

نتیجه آنکه حجاب و پوشش اسلامی به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی و شرعی مطرح است که رعایت آن علاوه بر این که عمل به تکلیف شرعی و پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) به حساب می آید ، باعث تزکیه و خودسازی انسان و بهره مندی او از اجر و پاداش جاویدان و همیشگی الهی در دنیای بعد از مرگ خواهد شد. در زندگی دنیوی نیز رعایت پوشش اسلامی ، مقام و منزلت زن محجبه را افزایش داده و باعث آرامش و امنیت او ، خانواده ها و جامعه خواهد شد.